

# چراغ سبز بورس



# اقتصاد

ویژه نامه فرهنگ سرمایه گذاری



رانندگان تاکسی  
چقدر بورس را می‌شناسند؟

## سید خندان ۳ سهم!

صفحه ۸



در میزگرد «ابتکار»، دلیل ترس مردم  
از بورس بررسی شد

## مسئولان دولتی باید سرمه‌دار گسترش بورس در جامعه شوند

صفحه ۸

### یادداشت

### اعتماد، حلقه گمشده مشارکت مردمی در بورس



امان‌الله قرایی مقدم\*

در چند ماه اخیر با نوسانات بسیار شدید در بازار ارز، سکه و طلا رویه‌رو بوده‌ایم. در این مدت تقاضا نسبت به خرید ارز و سکه به شدت افزایش داشته‌است. مردم ترجیح می‌دهند به جای سرمایه‌گذاری در بازارهای مفیدی چون بورس که باعث تحرک اقتصاد و تولید است، طلا و دلار بخرند یا در بانکها سپرده‌گذاری کنند اما دلیل این رخداد از نگاه جامعه‌شناسی چیست؟ باید بدانیم اصلی‌ترین سرمایه اجتماعی اعتماد است اما این اعتماد در کشور ما خدشه‌دار شده‌است. در حوزه اقتصادی، مردم چنان مارگزیده‌ای که از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد، دیگر به سرمایه‌گذاری فکر نمی‌کنند و از آن هراس دارند. زمانی که مؤسسه‌هایی مثل ثامن‌الحجج و دیگر مؤسسه‌های مالی اعتباری به اعتماد مردم خیانت می‌کنند، مردم ترجیح می‌دهند، سرمایه خود را به صورت دلار و سکه درآورده و زیر قالی‌هایشان از آن نگهداری کنند. دیگر اعتماد و ایمانی وجود ندارد. کسانی که سرمایه خودشان را در مؤسساتی چون ثامن‌الحجج، آرمان و سپهر به امانت گذاشته بودند، امروز چه چاره‌ای دارند؟ این افراد از هستی ساقط شده‌اند، بنابراین مردم اعتماد خود را به بانک‌های خاص از دست داده‌اند.

عمودی به گفته فرانسوی‌ها فوکویاما اعتماد بین مردم و دولت است. در کشور ما اعتماد عمودی ضعیف است، این اعتماد متأسفانه در جامعه ما کاملاً نخنما شده و یکی از دلایل بی‌توجهی مردم به اخبار همین بی‌اعتمادی است که پیامد آن عدم سرمایه‌گذاری در بازارها خواهد بود. سرمایه‌گذاری در بورس نیز مورد توجه مردم نیست، با وجود ریسک‌پذیری پایین‌تر بورس به نسبت خرید سکه و ارز، به چندین دلیل مردم همچنان باز هم همان سرمایه‌گذاری‌های پر خطر را ترجیح می‌دهند. اولین دلیل این اتفاق عدم آگاهی و شناخت مردم نسبت به بورس است. ورود به این سرمایه‌گذاری در درجه اول نیاز به اطلاع و تماس مداوم برای آگاهی از اوضاع بازار دارد، البته در این زمینه می‌توان از کارگزاران بورس کمک گرفت اما سرمایه‌گذاری در بورس، سرمایه‌گذاری زمان‌بری است. برای موفقیت در این سرمایه‌گذاری باید به صورت همیشگی بازار را رصد کرد. مردم به دلیل ناآگاهی و بی‌تجربه بودن در این زمینه، که آن هم ناشی از مدت کوتاه رونق بورس در کشور است و همچنین نپذیرفتن ریسک موجود در این سرمایه‌گذاری، به بورس ورود نمی‌کنند. این افراد به همین دلایل ترجیح می‌دهند به جای سرمایه‌گذاری در بازارهای مولد که پیامدهایی چون کاهش بیکاری و افزایش تولیدات دارند، آن را در بانک که کمترین ریسک را دارد، بگذرانند و سود حساب‌های سپرده‌گذاری را برداشت کنند. در چنین شرایطی، این بانک‌ها هستند که به جای اشخاص اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند. امروزه بانک‌ها در بورس فعالیت دارند. بنابراین ناآگاهی و عدم تخصص در بورس باعث شده مردم از این بازار فاصله بگیرند.

اما چاره چیست؟ چگونه می‌توان مردم را به جای خرید ارز و سکه یا سپرده‌گذاری در بانک‌ها به سوی سرمایه‌گذاری در بورس سوق داد؟ قبل از پاسخ به این سؤال باید بدانیم که در علم جامعه‌شناسی به جامعه مانند یک آزمایشگاه نگاه می‌شود، به این معنی که در این بستر ورودی‌ها، روند و پردازش و خروجی‌هایی وجود دارد. تا کنون جامعه ما در ۴ دهه اخیر چه تجربه‌هایی از روند رو به رشد اقتصادی داشته است؟ اقداماتی مثل کاهش قیمت‌ها و مبارزه با مفساد اقتصادی و اختلاسگران در حد شعار باقی مانده‌اند. مردم فرار مفسدان اقتصادی با مبالغ هنگفت، املاک و حقوق‌های نجومی را می‌بینند. مشارکت مردم در کره جنوبی، چین و آلمان در حوزه سرمایه‌گذاری به دلیل وجود اعتماد مردم به دولت است؛ در آلمان وزیر را به دلیل سفر همسرش و خرج هزار یورو محاکمه می‌کنند، اما در کشور ما میلیاردها دلار در طول چند ماه خارج شده‌است. اعتماد یک شبه به وجود نمی‌آید، اعتماد یک فرآیند است. مردم در طول زمان در آزمایشگاه جامعه مدام آزمون و خطا می‌کنند و اگر نتیجه درست ببینند، اعتماد می‌کنند اما کوچکترین خطا باعث ایجاد بی‌اعتمادی در افکار عمومی خواهد شد. بنابراین اعتمادسازی فرآیند مشکلی است. اعتماد مردم به هر سه قوه خدشه‌دار شده‌است. این بی‌اعتمادی بی‌دلیل نیست. مردم تجربه کرده‌اند، مردم آزمایش کردند و دیده‌اند هر آنچه وعده داده شده، عملی نشده‌است. بنابراین اگر بخواهیم به سؤال مطرح شده پاسخ دهیم، باید بگوییم که مردم در صورتی به سمت سرمایه‌گذاری در بورس روی خواهند آورد که اعتمادسازی صورت بگیرد که البته نیاز به یک فرآیند طولانی دارد، باید ایمان به حکومت در مردم بازآفرینی شود، باید نتیجه آزمون‌های مردم مثبت و ملموس باشد که البته فرآیندی بسیار مشکل است.

\*جامعه‌شناس

### سفر بورس

### از ۶۰۰ میلیون به ۶۰۰ میلیون



من محمدرضا هستم و الان که سرمایه‌گذار حرفه‌ای بورس شدم، ۲۶ سال دارم. پدرم که فوت کرد، به من و برادرانم ارثی رسید که نه کم بود و نه زیاد. اوایل پولم را در بانک گذاشته بودم. سودای پولدار شدن در جوانی داشتم و همین باعث شد تصمیم بگیرم که با پولم سرمایه‌گذاری کنم و از این طریق به خواسته‌هایم برسم. در سال ۹۱ قیمت ارز و سکه و طلا هر روز زیاد می‌شد و افراد زیادی با ورود به این بازار، یک شبه به صد ساله رفتند. افزایش نرخ‌های نجومی که در این بازار رخ می‌داد، ترغیب کرد تا تمام سرمایه‌ام را به بازار سکه و دلار ببرم. زهی خیال باطل که نمی‌دانم دیر رسیدم یا اشتباه کردم، اما بخش زیادی از سرمایه‌ام را از دست دادم. سرمایه‌ای که بپاره نیست اگر بگویم حاصل سال‌ها تلاش پدرم بود و تنها پولی بود که باید با آن آینده‌ام را می‌ساختم. مانده بودم ۶۰۰ میلیون تومان سرمایه، هزینه‌های زندگی در تهران و خرج تحصیل. هرچند از دست دادن بخش زیادی از پولم، ناراحت کرده بودم اما هنوز سودای ثروتمند شدن با من بود و البته جسارت ریسک هم داشتم. تصمیم گرفتم که برای حرکت بعدی، با تحقیق و عقلانیت بیشتری وارد شدم. در همان روزها با کسی آشنا شدم که در بورس پولدار شده بود و عملکرد همان دوستم باعث شد که تصمیم بگیرم پولم را به بورس ببرم. این اتفاق در مهر و آبان سال ۹۲ رخ داد. اولین سهمی که خریدم سرمایه‌گذاری صنعت نفت بود که اسم بورسی آن «ونفت» است. با خرید این سهم، سود زیادی نصیبم شد اما دومین اتفاق بد در بدو دوران سرمایه‌گذاری شدن من رخ داد. در واقع «ونفت» آخرین سهمی بود که در آن دوره به من سود داد. زیرا ورود من به بازار مواجه شد با دوران ریزش بازار در دی ماه ۹۲ که یکی از ریزش‌های معروف بورس است و این موضوع باعث شد که من اساسی در این بازار زیان کنم. در آن مقطع پولم صفر شد اما پس از دو سال پولم برگشت و سود اساسی کردم. سرمایه من در اواخر سال ۹۴ حدود ۶۰۰ میلیون شده بود و نسبت به سرمایه اولیه خودم، سود هزار درصدی داشتم. وقتی که به بورس وارد شدم، حق کاربری چندسایت مشاور سرمایه‌گذاری را هم خریدم که بتوانم از توصیه‌ها و تحلیل‌های افراد خبره در بازار استفاده کنم. برای این کار برای من منفعت‌آور بود، اما تمام این منفعت حاصل از این نبود که با توصیه‌های درست‌تری مواجه شدم. واقعیت آن بود که از توصیه برخی افراد ضرر کردم، از توصیه برخی هم سود به دست آوردم، اما توانستم شناخت نسبی از حرف درست و غلط و تحلیل خوب و بد در بازار به دست بیاورم که به مرور زمان، ضریب خطایی من را در خرید و

فروش کمتر می‌کرد. سود اصلی من اما حاصل اتفاقات بزرگی در بازار بود، مانند اتفاقاتی که اکنون در حال رخ دادن است و گفته می‌شود بردن ارز پتروشیمی‌ها در بازار ثانویه، باعث سوددهی آنها شده و دلیل اصلی ایجاد موج مثبت بازار در این روزها است. مشابه این اتفاق البته در سطح کوچکتر هم در ابتدای سال ۹۳ رخ داد و خبر رسید که سرمایه‌گذاری غدیر قرار است پتروشیمی پارس را بخرد. این موضوع باعث شد که در یک مقطع زمانی کوتاه بتوانم از افزایش قیمت سهام سود ببرم و در زمان تقسیم سود هم، سود نقدی بیشتری به من تعلق بگیرد. محصل این تجربیات باعث شده که افراد زیادی را به بورس دعوت کنم. حتی در تاکسی هم که می‌نشینم از مزایای بورس می‌گویم و افراد را دعوت می‌کنم که به بورس بیایند. این کار من چند علت دارد. اولین دلیل این است که هرچقدر تعداد افراد بیشتری به بازار بیایند، حجم بازار بیشتر شده و بورس عمیق می‌شود که باعث افزایش سودآوری می‌شود و به نفع خودم و تمام سهامداران است. برای همین اگر کسی را مستقیم وارد کنم سعی می‌کنم سود ببرد که او هم سفیر بورس شود. از طرف دیگر چون خودم تجربه خوبی داشتم، از توصیه ورود افراد به بورس، احساس گناه نمی‌کنم. با این حال بورس خطرات خودش را هم دارد. شاید به خاطر همین خطرها است که اکثریت جامعه نمی‌خواهند وارد این بازار شوند. اصلی‌ترین خطر را اگر بخواهم بیان کنم، توصیه‌های مکرر است. خصلت فعالان بورسی به این صورت است که اگر سهمی را خریدند یا برایش تحلیل داشتند یا اعتقاد داشتند و یا اعتماد که باعث شده آن را برای خود بخرند. در نتیجه به همه توصیه می‌کنند که آن را بخرند. در واقع همیشه، همه فعالان این بازار در حال توصیه کردن هستند. به همین دلیل باید با استراتژی وارد بازار شد. البته طبیعتاً کسی که برای اولین بار وارد بورس می‌شود، نمی‌داند استراتژی چیست. برای همین در ابتدای ورود بهتر است به یک سبک‌گردانی یا صندوق سرمایه‌گذاری اعتماد کنید که سودتان محفوظ باشد و زیان ندهید. البته صندوق‌ها هم کاملاً ایمن نیستند، در واقع هر مسیر سرمایه‌گذاری، کمی ریسک را دارد، اما در حال حاضر صندوق‌های سرمایه‌گذاری تنها راه چاره هستند. بعد از مدتی که بازار را دیدید و با گوشت و پوست و استخوان توصیه درست و نادرست را از هم تشخیص دادید و توانستید به استراتژی برسید، باید مستقیم خرید و فروش کنید.